

دور دنیا

نژادپرست، نادان بی‌کفایت و دروغ‌گو

● کاربرد فحش و ناسزا و ادبیات کوجه‌بازاری در دیلماسی رئیس‌جمهور عوام‌گرای ایالات متحده تمامی ندارد. سرمقاله روزنامه نیویورک‌تایمز با تیتیر «دونالد ترامپ سیفون را روی شهرت آمریکا می‌کشد»، به اظهارات توهین‌آمیز اخیر رئیس‌جمهور آمریکا در مورد کشورهای توسعه‌نیافته آفریقایی پرداخته است. در این مقاله ابتدا به نشست ۹۰دقیقه‌ای روز سه‌شنبه دونالد ترامپ با جمهوری‌خواهان و دموکرات‌های کنگره اشاره شده است که در جریان آن، وی گفته حاضر است «سرزنش‌ها را بپذیرد» تا مهاجران لازم برای بخش‌هایی از صنعت به کشورش وارد شوند. مقاله در خطوط بعدی به عبارات دیگری پرداخته است که روز پنجشنبه بر زبان وی جاری شد. «مع‌الاسف، همه این حرف‌ها فقط بازی با کلمات بود. دونالد ترامپ دو روز بعد به همان حرف‌های اول خود برگشت و از همان عبارت مشهور «چاه مستراح» خود استفاده کرد و پرسید چرا ایالات متحده باید از مکان‌هایی مانند هائیتی یا آفریقا به‌جای کشورهای خوب اسکاندیناوی مانند نروژ آدم بپذیرد و سپس به توییت‌کردن همان خواسته‌های قدیمی خود درباره ساختن یک «دیوار بزرگ» در امتداد مرز مکزیک ادامه داد». در ادامه مقاله آمده است: «کاری نداریم که نروژی‌ها هرگز حاضر نیستند کشوری را که در رتبه‌بندی‌ها آمده است شادترین ملت روی زمین در آن زندگی می‌کنند، رها کنند و به اینجا بیایند و کاری هم به این نداریم که آقای ترامپ تا چه اندازه با این کار تناسب دارد؛ این کش‌وقوس‌ها مسئله مهاجرت را بیش از پیش پیچیده می‌کند». نویسنده سرمقاله نوشته است: «مسئله خیلی ساده است: رئیس‌جمهور ایالات متحده یک نژادپرست است. دیگر اینکه ایالات متحده سابقه‌ای طولانی و زشت در مورد تبعیض قائل‌شدن برای مهاجران بر اساس نژاد یا منشأ آنها دارد. به‌نظر می‌رسد آقای ترامپ تلاش در خنثی‌سازی اقدامات رؤسای‌جمهور قبلی از هر دو حزب را دارد که در دهه‌های اخیر تلاش کرده‌اند این سابقه را پاک کنند».در ادامه این مقاله اشاره شده که ترامپ در روز جمعه سعی کرده است این اظهارات خود را تکذیب کند و به گفته‌های یک سناتور دموکرات اشاره شده که تأیید کرده ترامپ «سخنان انباشته از نفرت» را بر زبان آورده و بارها تکرار کرده است. در سرمقاله نیویورک‌تایمز تصریح شده: «یادمان باشد آقای ترامپ فقط نژادپرست، نادان، بی‌کفایت و بی‌شخصیت نیست؛ او دروغ‌گو نیز هست».

شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

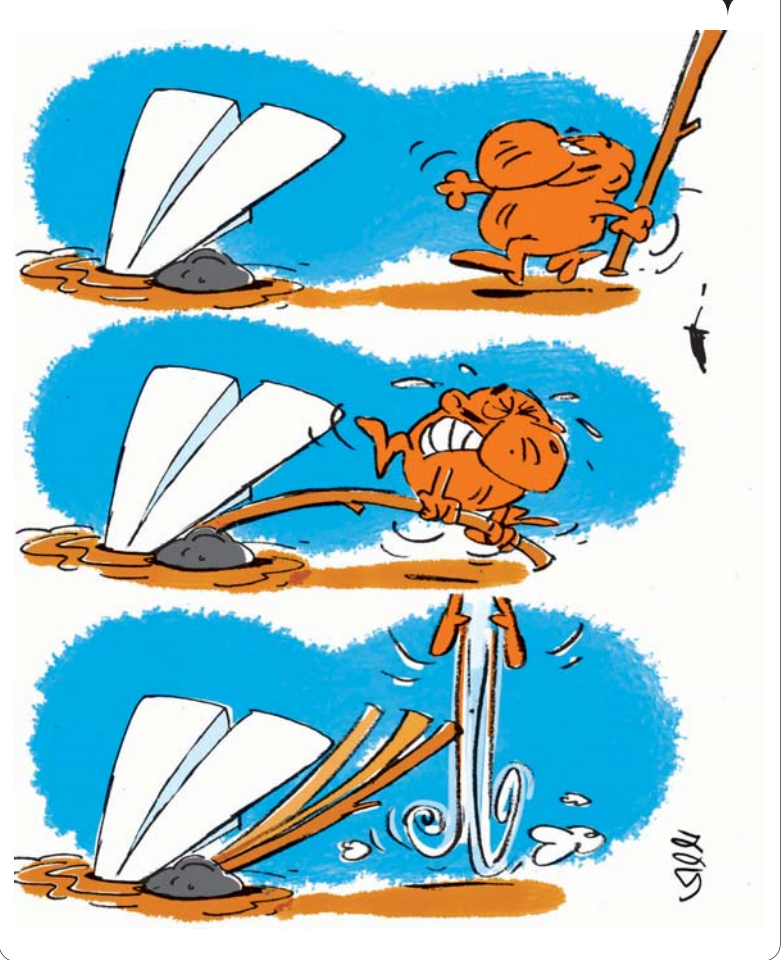
یکشنبه ۲۴ دی ۱۳۹۶ • ۲۶ ربیع‌الثانی ۱۴۳۹ • ۱۴ ژانویه ۲۰۱۸ • سال پانزدهم • شماره ۳۰۶۰ • ۱۶ صفحه اذان ظهر تهران ۱۲:۱۳ • اذان مغرب ۱۷:۳۳ • اذان صبح فردا ۵:۴۵ • طلوع آفتاب ۷:۱۴

روزنامه‌فرو

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب

محمدرضا ثقفی



چرا بریم بانک؟!

وقتی بانک ملت هست.



ایترنت بانک ملت

یادداشت

سؤالاتی درباره تکثیر غیرقانونی کتاب

انداختند. یاد سخن آن همکارم افتادم و فکر کردم اگر این‌حضرت بخواهد نظیر این بلا را سر من بیآورد، با این قلب محروم‌بی‌شک کارم بیخ پیدا خواهد کرد. این بود که به‌آهستگی، سربه‌زیر و سرافکنده! راهم را کشیدم و از دفتر آن جناب بیرون آمدم. این معضل چندسال پیش برای فیلم‌های فارسی پیش‌آمده بود که در یک هماهنگی کامل بین اهالی سینما، معاونت هنری و نیروی انتظامی، بساط تکثیرکنندگان غیرقانونی فیلم‌ها در زمانی کوتاه برچیده شد. ابعاد این مشکل آنقدر گسترده شده که بی‌شک هم وزارت ارشاد و هم اتحادیه و هم نیروی انتظامی و هم شهرداری کل و منطقه در جریان آن هستند. دلیل اینکه چرا این ارگان‌ها با هماهنگی یکدیگر سرمنشا این تخلف آشکار را کشف و عوامل آن را (که بی‌شک نباید از چند نفر بیشتر باشند) جمع نمی‌کنند بر من معلوم نیست. این سؤالی است که به‌نظر می‌رسد مسئولان محترم وزارت ارشاد به‌عنوان متولیان دولتی نشر کشور باید پاسخ دهند ولی شنیده‌ام که مسئولان انتظامی و قوه‌قضائیه در این مورد معتقد به وجود شاکلی خصوصی هستند که اولاً امکان گرفتن فاکتور از هیچ‌یک از این بساطی‌ها یا رؤسایشان ممکن نیست تا براساس آن کسی شکایتی بکند. ثانیاً این کار مانند آن است که بخوایم با کندن برگ‌برگ یک درخت بادی آن را از بین ببریم. ادامه این‌گونه‌مدارای نهادهای دولتی درگیر در این ماجرا صورت خوشی ندارد. بعید است این نهادهای قدرتمند نتوانند از پس جمع‌کردن بساط چند نفر آدمی برآیند که به این عباتی دست به کار غیرقانونی می‌زنند.

مغز اجتماعی- ۴

مصائب یادگیری زبان دوم (انگلیسی)

می‌کنم، از فرصت‌سوزی که در حق من و امثال من برای آموزش صحیح و به موقع، در مدرسه اتفاق افتاد، تأسف می‌خورم. پژوهش‌های جدید انطباقی از طریق آزمون‌های رفتاری و مغزنگاری و تصویربرداری از آن، نشان می‌دهد بهترین فرصت یادگیری زبان دوم هنگامی است که مغز در بالاترین حد اعتطاف‌پذیری و آمادگی برای تسلط بر زبان دوم قرار دارد؛ یعنی از سنین شش، هفت سالگی تا ۱۱،۱۰ سالگی. این روزها می‌شنویم که به بهانه پایین‌آمدن سطح سواد فارسی، یعنی زبان اول، در مدارس ابتدایی، تصمیم گرفته می‌شود که زبان انگلیسی به‌عنوان زبان دوم با برنامه درسی آنها حذف شود. زبان اول و دوم اگر با روش صحیح و به‌موقع از سوی افراد مسلط بر آموزش زبان انجام بگیرد و در کلاس‌های درس اهمیت لازم به آنها داده شود، هیچ تداخل و ایجاد اختلال در یادگیری زبان پیش نمی‌آورد. این موضوع با آخرین روش‌های مغزی‌وهی تأیید شده که بهترین سن شروع زبان دوم سنین دبستانی است. در این شرایط سنی است که هر دو زبان سهل‌تر و با تسلط بیشتری آموخته می‌شود.

به هر علت مشروع یا نامشروعی، امروزه زبان انگلیسی خصوصیات یک زبان بین‌المللی تمام‌عیار پیدا کرده است. شاید در قرن هجدهم زبان فرانسه جایگاهی نزدیک به آن داشته است. ولی تسلط به زبان انگلیسی به‌عنوان زبان دوم در جهانی که ما امروز در آن زندگی می‌کنیم از ضروریات برای نسل آینده‌بالنده کشور است. زیرا انگلیسی زبان علم، تکنولوژی، اینترنت و همه مظاهر تمدن امروزی است. ما به‌عنوان یک ملت که دارای زبان مستقل خود هستیم، برای گفت‌وگو با جهان نیاز به تسلط به زبان دوم بین‌المللی (امروزه انگلیسی) داریم تا از طریق آن موضع افکار و فرهنگ خود را بیان کنیم. جای تأسف است که هنوز در نسل جدید نیز ما این امکانات را برای همه فراهم نکردیم و هنوز در کنگره‌های بین‌المللی نیز که بیشتر برای بزدان تشکیل می‌دهیم، پژوهشگران و محققان ما از نعمت تسلط بر زبان انگلیسی بهره‌مند نیستند که بتوانند با زبانی رسا و دقیق و مسلط، یافته‌ها، عقاید و نظریات خود را برای دیگران بازگو کنند. این یک نقص بزرگ در آموزش زبان ماست. تسلط بر زبان دوم که خصوصیات زبانی بین‌المللی پیدا کرده، ما را کوچک و حقیر نمی‌کند، بلکه توانا در رساندن حرف خود به دیگران و ستاندن حق خود می‌کند. نگاهی بکنید به کشورهای همسایه‌ای چون عراق، پاکستان، کشورهای عربی دربارۀ خلیج فارس، ترکیه، حتی افغانستان که از این نظر از ما موفق‌تر عمل می‌کنند. یادگیری همراه با تسلط زبان بین‌المللی امروز به‌عنوان زبان دوم (انگلیسی)، نشانه کزنش به سوی استعمار نوین نیست، بلکه قدعلم‌کردن در مقابل آن است.

خبر آخر

تلگرام رفع فیلتر شد

به دستور شورای عالی امنیت کشور فیلتر شده بود، رمضانعلی سبحانی‌فرد، عضو کارگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه، دراین‌باره به خبرگزاری مهر گفته بود: عده‌ای از شرایط و ظرفیت تلگرام سوءاستفاده کردند و شرایط خشونت و اغتشاش را به وجود آوردند که بر همین مبنا شورای عالی امنیت ملی تصمیم به فیلتر تلگرام گرفت.

تلگرام شب گذشته رفع فیلتر شد. این شبکه پیام‌رسان شب گذشته روی اپراتورهای همراه اول، ایرانسل و اینترنت‌های خانگی بدون فیلتر در دسترس بود. آذری جهرمی، وزیر ارتباطات هم رفع فیلتر تلگرام را تأیید کرد.
باین‌حال در برخی نقاط دسترسی به این شبکه با کندی صورت گرفت. این شبکه پیام‌رسان چند روز بعد از آغاز اعتراضات در تهران و سایر نقاط کشور

زنان

بادلی اندوهگین

نگار انسان: خبر شاید خیلی کوتاه بود، اما حرف‌های زیادی برای ما داشت: پس از آزادی حضور زنان در ورزشگاه‌های کشور عربستان، باشگاه‌های این کشور از طرفداران فوتبال دعوت کرده‌اند که از روز جمعه با خانواده‌هایشان به ورزشگاه بیایند. بعد از خواندن این خبر، تصاویر همه دختران فوتبالی در داخل ایران جلوی چشمانم آمد: زینب، شبنم، زهرا، ساغر و ...

بعد از خواندن این خبر، حال خودمان در یکی از آخرین تلاش‌هایمان برای ورود به ورزشگاه را مرور کردم. روز بازی با سوریه جلوی چشمانم آمد؛ حالی که جز اشک و رنج هیچ حس خوبی در آن نبود. جشن صعود پایانی تیم ملی فوتبال ایران بود، اما ما پشت درهای ورزشگاه آزادی، کمی دورتر با دلی اندوهگین و چشمانی اشک‌آلود نشسته بودیم تا شاید حالمان کمی بهتر شود تا در کنار هم اندکی التیام پیدا کنیم؛ حالی که طعم تحقیر و توهین داشت، وقتی از مأموران ورزشگاه آزادی شنیدیم که زنان سوری چون ایرانی نیستند می‌توانند وارد استادیوم آزادی شوند و حتی زنان ایرانی می‌توانند با پرچم سوریه وارد ورزشگاه شوند. شاید دروغ نباشد اگر اعتراف کنم بعد از خواندن خبر و دیدن عکس‌های زنان عربستانی در استادیوم فوتبال، بغضی در گلویم گیر کرده است؛ بغضی که دو دلیل عمده داشت: اولین دلیلش بغض خوشحالی برای زنانی بود که سال‌ها تحت سیطره مردانی زن‌ستیز بودند و اندکی این روزها چرخ زمانه بر وفق مرادشان چرخیده، اما دلایل دیگر بغضم برای صبوری دختران فوتبالی ایران است؛ دخترانی که تلاش‌هایشان در این‌همه سال بی‌نتیجه مانده و حتی حق حضور در ورزشگاه‌های دیگر نظیر والیبال نیز از آنان سلب شد و باز هم مجبورند برای رسیدن به آن فعالیت کنند.

یک‌به‌یک عکس‌های بازی الباطن و الاهلی عربستان را ورق می‌زنم؛ عکس‌ها حس فوق‌العاده‌ای به من می‌دهند؛ زنان صورت دختران کوچک خود را نقاشی و آنها را آماده مسابقه و تشویق می‌کنند؛ دختران جوان می‌خندند و موبایل‌هایشان را بالا برده‌اند تا از نزدیک از زمین مسابقه فیلم بگیرند؛ زنان پرچم در دست دارند و دختران جوان مقابل کیوسک فروش پیراهن‌های دو باشگاه ایستاده‌اند تا پیراهن باشگاه موردعلاقه‌شان را خریداری کنند. نیمکت‌های آماده‌شده برای بوفه ورزشگاه و ورودی‌های مخصوص خانواده‌ها و ... از همه جالب‌تر، حضور اعضای یک خانواده در کنار یکدیگر است که با شادی و خوشحالی تیم‌های موردعلاقه‌شان را تشویق می‌کنند. زنان بلیت‌هایشان را رو به دوربین‌ها نشان می‌دهند. عکس یک خانواده را می‌بینم که پدر خانواده

لبخند بر لب دارد و مشغول سامان‌دادن اوضاع برای ورود خانواده‌اش به داخل استادیوم است. زنان مأمور در استادیوم با لبخند و با رویی گشاده از خانم‌ها استقبال می‌کنند و مشغول چک‌کردن بلیت‌ها و بازرسی بدنی می‌شوند. عکس‌ها تمام می‌شود، احساس می‌کنم گوشه چشمانم خیس شده است، اما تلاش می‌کنم که بغضم نشکند. و به یاد قول‌وقراری می‌افتم که به خودمان، به رفقایمان و به تمام دختران فوتبالی داده‌ایم که یک روز همه با هم به استادیوم‌ها می‌رویم تا تیم‌های محبوبمان را از نزدیک تشویق کنیم .



حسن کیانیان

این روزها اوضاع و احوال کتاب خوب نیست. در سال‌های گذشته همه‌ساله به دنبال برگزاری نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، تعطیلی مدارس و دانشگاه‌ها، رکودی نسبی بر بازار کتاب حاکم می‌شد که تا اواسط شهریور برای کتاب‌های درسی و اواسط مهر برای کتاب‌های عمومی ادامه داشت. امسال این رکود ابعاد گسترده‌تری یافته و کتاب‌فروشی‌ها را -تا جایی که دیده‌ام و شنیده‌ام- با مشکلات بیشتری در مقایسه با سال‌های گذشته مواجه کرده است. لابد این رکود کم‌سابقه چون هر پدیده اجتماعی- فرهنگی دیگری ابعاد مختلفی دارد که شناخت ریشه‌های آن از حوصله این مختصر خارج است. قصدم از این نوشته کوتاه اشاره به یکی از عوامل مهم این رکود است که چند روز پیش تصویر تازه‌ای از آن را به‌عینه دیده و لمس کردم. برای کاری مقابل دانشگاه تهران رفته بودم، از تعداد زیاد بساطی‌های کتاب پیاده‌روی آن شوکه شدم. در عرض دو، سه ماه از چند بساطی به ده‌ها بساطی رسیدند. تعدادی هم در مناطق دورتر (مانند تقاطع انقلاب با ولیعصر یا خیابان کارگر بالاتر از میدان انقلاب) بساطشان را پهن کرده بودند. در این بساط‌ها مقدار زیادی کتاب به‌چشم می‌خورد که تعداد زیادی از آنها، کتاب‌های پر فروش ناشران گوناگون بود. از گذشته در بازار کتاب این روال وجود داشته و



عبدالرحمن نجل‌رحیم
عصب‌شناس و عصب‌پژوه

یادم می‌آید که در دوران آموزش ابتدایی ما خبری از زبان انگلیسی نبود. در مدرسه متوسطه هم شرایطی حاکم بود که یادگیری انگلیسی در سطحی قابل‌قبول را محال می‌کرد. واقعیتی این است که اگر علاقه‌ای نبود همان چند کلمه زبان انگلیسی شکسته‌بسته را هم نمی‌شد یاد گرفت. اولین معلم زبان انگلیسی کلاس که یادم می‌آید، آقاایی بود با قدی کوتاه، هیکلی جاق، سری طاس و بسیار محبوب و ملایم. هیچ‌کس در کلاس، او را و در سشش را جدی نمی‌گرفت، منهای چندی نفری که نمی‌خواستند در آخر سال با تقلب، ارفاق یا تگ‌ماده از شر این درس خلاص شوند. بنابراین، به محض اینکه این معلم محترم برای نوشتن جمله‌ای رویش را به تخته سیاه می‌کرد، باران کج‌های ریز بود که بچه‌های ناباب کلاس، به سوی کله طاس این معلم روانه می‌کردند. این مرد محبوب و اهل مدارا گاه به روی خودش نمی‌آورد و گاه نیز مجبور می‌شد چند نفری را از کلاس بیرون کند، اما همچنان در این شرایط رقت‌بار ادامه می‌داد. البته اخراجی‌ها هم بدشان نمی‌آمد که به جای نشستن سر کلاس، در حیاط مدرسه بازی کنند. در چنین کلاس‌هایی اصولاً آموختن صحیح برای همه شاگردان زیر سؤال می‌رود. درست است که ما چند نفری بودیم که از درس انگلیسی نمره خوبی می‌گرفتیم، ولی سطح سواد انگلیسی ما هم بسیار پایین بود و تسلطی بر آن به‌عنوان زبان دوم نداشتیم. معلم دیگر انگلیسی ما در دبیرستان، آقاایی بود با ریخت و قیافه هنرپیشه‌های هالیوودی و با موهای صاف و بلند و کمی بور، که به محض ورود به کلاس آشفته که همه بچه‌ها مانند زنگ تفریح بر سروکول همدیگر می‌پریدند، مرا که در ردیف جلو می‌نشستم بلند کرد و دو سیلی جاتانه به دو سوی صورتم نواخت، به‌طوری‌که شدت سیلی‌ها موهای بلندش را افشان کرد و روی صورتش ریخت. کلاس آرام گرفت، ولی گوش من مدتی از شدت ضربه صدا می‌داد. این معلم محترم خشن که گویی فیلم‌های وسترن زیاد تماشا کرده بود یا شاید آرزوی به کام نشسته هنرپیشگی را داشت، از آن به بعد در گوشه‌ای روی صندلی می‌نشست و پایش را روی پا می‌انداخت و مرا مأمور می‌کرد تا از روی داستان‌های خلاصه‌شده کتاب دایرکت متد، مثلاً هملت شکسپیر را روی تخته‌سیاه بنویسم و بقیه بچه‌ها از روی دست من کپی کنند. این شد که هیچ‌وقت فرصت آموزش درست برای تسلط به انگلیسی، یعنی زبان دوم، در مدرسه را پیدا نکردم. حال که در زمینه مغزی‌وهی فعالیت